

سینه پُراز

همه ما بخش عمده‌ای از زندگی خود را در جامعه و در ارتباط با دیگران سپری می‌کنیم و خواه ناخواه بخشی از روند زندگی ما تحت تأثیر رفتار دیگران قرار می‌گیرد. پس هر چه اطلاع دیگران از زندگی ما محدودتر باشد، دامنه تأثیر و به عبارت دیگر، دخالت آنها محدودتر و در نتیجه، امنیت زندگی مان بیشتر می‌شود. این جاست که مسئله رازداری مطرح می‌شود.

رازداری، با تسلط بر زندگی و امنیت آن ارتباط دارد. چه، صیانت از اطلاعات شخصی و خانوادگی موجب می‌شود که اختیار زندگی در دست خودمان باشد. آگاهی دیگران، به خصوص آدم‌های فرصت‌طلب از زیروبم زندگی ما، امکان دخالت و اعمال نظر آسان‌تری به آنان می‌دهد و این کار با امنیت زندگی در تضاد است.

این همان نکته‌ای است که امام علی (ع) به آن اشاره فرموده‌اند: کسی که سینه‌اش گنجایش رازش را نداشته باشد، در امان نیست» [غررالحکم، حدیث ۱۰۶۷۶]

و نیز فرموده‌اند: «هر که راز خود را بپوشاند، اختیار به دست اوست [نهج البلاغه، حکمت ۱۶۲].

راز دل
مگشای

پس در زندگی هر یک از ما می‌تواند رازی داشته باشد. راز آن امر خصوصی است که آشکار شدنش می‌تواند موجب خسارت شود. این ریزان حتی گاه می‌تواند ضرر مالی باشد. می‌بینید که موضوع راز صرفاً به امور زشت و غیراخلاقی محدود نمی‌شود. گاه معامله‌ای که انسان می‌خواهد انجام دهد، یا تصمیمی که فرد برای تغییر شغلش دارد، می‌تواند در دایره رازها قرار گیرد.

البته نباید در رازپوشی افراط کرد. نمی‌گوییم همه مسائل زندگی را باید از دیگران مخفی کرد، اما همه چیز را نیز همگان نباید بدانند. فرضاً، پرده برداشتن از عیب‌ها و کاستی‌های خویش در آموزه‌های دینی مورد نکوهش قرار گرفته است. امام صادق (ع) فرموده است: «مردم را از تمام آن چه در آن هستی (کاستی‌هایی که داری) آگاه نساز که نزد آنها خوار می‌شوی» [بحارالانوار، جلد ۱۱، ص ۱۱۴].

رمزی از رموز موفقیت

پس درست است که در ابتدای آشنایی، علاوه بر معرفی خود ممکن است اطلاعات دیگری غیر از نام خودمان را نیز در اختیار دیگران قرار دهیم و «خودافشایی» اصلی مهم در تعامل و ارتباط با دیگران محسوب می‌شود، اما نباید در این کار افراط کرد.

هستند کسانی که به محض روبه‌رو شدن با دیگران و در همان بدو آشنایی، حتی خصوصی‌ترین مسائل خود را با آن‌ها در میان می‌گذارند در تاکسی، اتوبوس و ... بی‌مقدمه سر صحبت و درد دل را با بغل دستی نا آشنای خویش باز می‌کنند و بی‌توجه به عواقب آن، می‌گویند از آن چه نباید بگویند. در حالی که باید تا حد امکان در حفاظت از مسائل خصوصی زندگی کوشید. این خود رمزی از رموز موفقیت است. امام علی (ع) بر نقش راز پوشی در موفقیت در کارها اشاره فرموده‌اند: «موفق‌ترین کارها، کاری است که با کتمان کامل صورت گیرد» [میزان الحکمه، جلد ۵، ص ۲۴۳۶].

اگر کام خواهی در این آب و گل

مگو تا توانی به کس راز دل

رازهای زندگی

پس اگر در زندگی اسراری دارید که نباید دیگران از آن باخبر شوند، تا وقتی مصلحتی ایجاب نکرده است، حتی برای نزدیک‌ترین دوستان خود نیز نقل نکنید. چون ممکن است یک روز رابطه شما با آنها تیره شود و کار به انتقام‌جویی بکشد. آن وقت آن چه شما از آشکار شدنش بیم دارید، به راحتی بر ملا می‌شود. به علاوه، آن چه کار را حساس‌تر می‌سازد، آن است که گاه حتی بدون این که رابطه‌ای به هم

بخورد نیز ممکن است دچار چنین سرنوشتی شوید. یعنی رفیق شما بر اثر سادگی یا ضعف اراده، نتواند راز شما را پیش خود نگه دارد و مثلاً رازتان را به دوست صمیمی‌اش بگوید؛ حتی با این قید که این موضوع بین خودمان بماند. اما مگر او دوست صمیمی ندارد؟ دوست دوستان را می‌گوییم. او نیز به دوست صمیمی‌اش خواهد گفت. آن وقت چیزی نمی‌گذرد که می‌بینید رازتان در هر کوی و برزن بر سر زبان‌هاست! به قول سعدی (ره):

به دوست گرچه عزیز است راز دل مگشای

که دوست نیز بگوید به دوستان عزیز خوب در این وضعیت چه کسی باید سرزنش شود جز خود شما؟ چگونه انتظار دارید دیگری رازتان را نگه دارد، در صورتی که خودتان از نگه داری‌اش ناتوان بوده‌اید؟! به قول نظامی (ره):

مصلحت دوست زبان زیر کام

تیغ پسندیده بود در نیام

چون دل تو بند ندارد بر آن

بند چه جویی ز دل دیگران درست است که در حد معقول و متعارف می‌توانیم و باید به بعضی اعتماد کنیم، اما بدانیم این کار نیز حد و مرزی دارد حد و مرز آن را می‌توان از سخن امام صادق (ع) دریافت: «دوست را تنها از رازی با خبر کن که اگر دشمنی به آن دست یابد، به تو زبانی نرساند. چرا که دوست نیز ممکن است روزی دشمن تو گردد» [میزان الحکمه، جلد ۵، ص ۲۴۳۸].

رازی که بر باد می‌رود

پس سیاست درست در این مورد آن است که برخی رازها را هیچ‌گاه و برای هیچ‌کس بازگو نکنیم. اگر هم جایی به دلایلی نیاز باشد که مسئله‌ای خصوصی را کس دیگری بداند، مثلاً فرض کنید لازم باشد حداقل یکی دو نفر از وجود اسناد مالی پنهانی باخبر باشند تا اگر خدای ناکرده، حادثه‌ای اتفاق افتاد، اموالی بیهوده و به ناحق به تصرف کسی در نیاید، این کار نیز باید با حساسیت و دقت ویژه صورت گیرد و این راز به افراد مطمئن، خردمند و قابل اعتماد سپرده شود که فرموده‌اند: «راز خود را به کسی که امانت دار نیست، مسپار» [امام علی (ع)، میزان الحکمه، جلد ۵، ص ۲۴۳۹].

پس باید در مورد رازها طبقه‌بندی داشت؛ یعنی با آینده‌نگری، برخی رازها را برای هیچ‌کس نگفت بعضی را نیز به تناسب شرایط و تنها به وقت ضرورت برای افراد خاصی که مورد اعتماد و امانت دارند بیان کرد.